

رابطه امانی مدیران در شرکت‌های سهامی: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان

لعیا جنیدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۹

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ تأیید: ۹۷/۰۱/۲۳

معصومه اکبری‌ان طبری^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مدیران به عنوان امین، تکالیفی برای حفظ موجودیت شرکت و منافع سهامداران دارند؛ ولی این تعهدات شرایط خاصی دارد که نمی‌توان همگی را بر اساس قواعد عام نمایندگی، به نحو مطلوب توجیه کرد. از همین رو لازم است که این تکالیف در قالب حقوقی ویژه‌ای تبیین شود و ضمن شناسایی حدود رابطه حقوقی مدیر با شرکت و سهامداران، مانع سوءاستفاده ایشان (مدیران) شود. در حقوق انگلستان، رابطه امانی، حدود اختیارات و تکالیف مدیران را مشخص کرده است. حقوق موضوعه ایران در پذیرش نظریه مذکور به عنوان قاعده کلی تصریحی ندارد، اما مواردی در قانون تجارت و قانون بازار اوراق بهادار وجود دارد که مبانی این نظریه را توجیه کرده است و قابلیت انطباق با مصادیق آن در حقوق انگلستان را دارد. از آن جمله می‌توان تعهد به رعایت وفاداری، مراقبت، حسن نیت و ارائه اطلاعات نام برد. این مقاله به دنبال تبیین مفاد رابطه امانی بوده و کوشیده با بررسی مصادیق و ضمانت اجرای آن در حقوق انگلستان، به قاعده‌ای دست یابد که در حقوق ایران قابل اعمال باشد.

واژگان کلیدی: امین، رابطه امانی، مدیران شرکت‌های سهامی، وظایف امانی.

مقدمه

در میان مباحث مربوط به حقوق شرکت‌های سهامی، جایگاه حقوقی مدیران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه اشخاص حقوقی توسط مدیران اداره می‌شوند و آن‌ها به منظور ارتقای جایگاه شرکت در چهارچوب مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی، تعهداتی بر عهده داشته و از طرفی سهامداران با اعطای اختیارات گسترده، انتظار دریافت سود سهام خود را دارند. از این رو، وجود قاعده‌ای عام و جامع ناظر به چهارچوب و اصول روابط ایشان که پاسخ‌گوی بسیاری از جهات مرتبط با تعهدات آن‌ها در مقابل شرکت و سهامداران

1. Email: joneidi@ut.ac.ir

2. Email: masumeh.akbarian@gmail.com

باشد، امری اجتناب‌ناپذیر است. به همین جهت، بر آن شدیم تا مسائل پیرامون وظایف امانی مدیران، مفاد، مصادیق و مهم‌ترین تبعات نقض آن را بررسی کنیم. شایان ذکر است که چون در حقوق ایران در میان شرکت‌ها، شرکت‌های سهامی اهمیت بیش‌تری دارند، در این تحقیق، عمدتاً مباحث مربوط به این شرکت‌ها دسته‌بندی و طرح شده‌اند.

۱. مفهوم رابطه امانی در کامن‌لا و حقوق ایران

در لغت، اصطلاح fiduciary به معنی شخص قابل اعتماد و امین بوده و در زبان لاتین ریشهٔ fidusarius معادل واژهٔ «تراست»^۱ و از ریشهٔ fides، به معنی حسن نیت است. از لحاظ اصطلاحی، رابطه امانی^۲ به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که متضمن اعتماد فی‌مابین امین و اصیل در ایفای وظایف در جهت تأمین بهترین منافع اصیل است. به علت کاربردهای مختلف و ماهیت پیچیدهٔ این نهاد حقوقی، تعاریف متفاوتی از آن در نظام کامن‌لا یافت شده که شامل موارد ذیل است:

برخی رابطه امانی را چنین تعریف کرده‌اند: «رابطه‌ای که دربردارندهٔ وظایف امین در برابر اصیل برای حفظ منافع ذی‌نفع است. این رابطه که ناشی از حکم قانون است، امین به نمایندگی از اصیل در حدود اختیاراتی که به وی تفویض شده، از موضوع مورد امانت محافظت می‌کند» (Dine, 2001:87).

برخی دیگر، رابطه امانی را رابطه‌ای قانونی قلمداد کرده و بر اساس آن امین، ملزم به حفظ منافع اصیل با توجه به حدود اختیارات اعطاشده می‌باشد که موارد آن احصا نشده و مهم‌ترین آن، رابطهٔ وکیل با موکل، تراستی با ذی‌نفع، کارمند با کارفرما، نماینده با اصیل، و مدیر با شرکت و سهامداران می‌باشد (Mayson, Ryan, & French, 2011: 57). همچنین یکی از نویسندگان، این رابطه را به اعتبار منشأ دسته‌بندی کرده است که شامل رابطه امانی قراردادی من جمله رابطهٔ وکیل با موکل و رابطه امانی قانونی، مانند مدیر با سهامداران می‌باشد. از منظر قضایی نیز این رابطه به دو قسم رابطه امانی رسمی و غیررسمی، تفکیک شده است (Smith, 2002:1413). رابطه امانی رسمی به عنوان رابطه مبتنی بر قانون^۳ مانند رابطهٔ قیم با محجور و صغیر، تراستی با ذی‌نفع و مدیر با سهامداران بوده و رابطه امانی غیررسمی به عنوان

۱. «تراست» نهادی است در نظام کامن‌لا که مالک از طریق آن، مالکیت مالش را به نفع بعضی از اشخاص که خود نیز ممکن است از آن‌ها باشد، یا برای اهدافی که مورد تأیید قانون باشد، نگه می‌دارد. در این صورت، منافع حاصل از مال، به منتفعان یا سایر افراد ذی‌نفع تعلق خواهد گرفت (padfield,2007:237).

2. Fiduciary Relation.

3. On Rule.

رابطه‌ای مبتنی بر ارتباطی محرمانه^۱ مانند رابطه مدیر با شرکت، وکیل با موکل و پزشک با بیمار است. تفاوت این دو رابطه در شیوه اثبات و اقناع دادرس متجلی می‌شود؛ به این صورت که دادگاه‌های کامن‌لا در مورد علت و چگونگی شکل‌گیری رابطه امانی رسمی تحقیق نمی‌کنند، اما قواعد حاکم بر رابطه امانی غیررسمی را تفسیر و نحوه تعهدات امین را تبیین می‌کنند.

با ملاحظه این مطالب، باید گفت که رابطه امانی منبعت از قواعد نمایندگی^۲ برای ممانعت از تسلط ناروا و سوءاستفاده از موقعیت امین^۳ شکل گرفته و حقوقدانان انگلیسی وجود دو معیار اعتماد^۴ و عمل در جهت منافع اصیل را برای احراز رابطه امانی لازم دانسته‌اند. در نظام حقوقی ایران تصریح قانونی در مورد رابطه امانی وجود ندارد و به نظر می‌رسد قانون‌گذار نظر جامعی نسبت به اصول رابطه امانی نداشته است، اما در عین حال، آنچه مقنن به آن توجه کرده، ید امانی است که در ماده ۶۳۹ قانون مدنی منعکس شده است. مقنن، ید امانی ناشی از اذن مالک یا شارع را به عنوان قاعده کلی تصرف در مال غیر می‌شناسد و با تعمق در مواد ۳۳۷ و ۴۹۴ قانون مدنی استنباط می‌شود که سبب امانت، اذن مطلق است و متصرف مأذون، تنها در قبال منافعی که استیفا کرده مسئول می‌باشد (مهدی‌الشریف و خسروآبادی، ۱۳۹۰: ۲۵). در مقابل، در ماده ۳۰۸ قانون مدنی، از استیلا بدون مجوز بر مال غیر به عنوان سبب ضمان ید سخن گفته که نشانگر آن است که قانون‌گذار ضمان ید را اثر استیلا بدون مجوز می‌داند. بدین ترتیب، هر جا استیلا شخص با اذن مالک یا شارع صورت گرفته باشد، ید متصرف، امانی است. نکته دیگری که از این مقررات استنباط می‌شود، این است که امانت از آثار انحصاری عقود امانی نیست و وصف امانت در قلمرو روابط غیر قراردادی نیز وجود دارد. بنابراین، اذن یا مجوز (قراردادی یا قانونی) شخص مأذون، برای ایجاد وصف امانت، کافی است؛ و نتیجتاً مهم‌ترین اثر قانونی امانی قلمداد کردن ید متصرف، عدم ضمان امین در قبال تلف و عیبی است که بدون تعدی و تفریط وی حاصل شده است (لطفی، ۱۳۸۷: ۹۸).

۲. قواعد حاکم بر وظایف امانی مدیران در شرکت‌های سهامی در کامن‌لا

نظریه وظایف امانی در نظام کامن‌لا بر مبنای عرف، انصاف و قانون، قلمرو وسیعی از روابط تجاری مدیران را در بر گرفته و قانون شرکت‌های تجاری انگلیس مصوب ۱۹۸۵ با شناسایی وصف

1. Confidential Relation.
2. The fiduciary duties arising out of the agency relationship.
3. Undue Influence, Domination, Superiority.
4. Trust, Confidence.

امانی وظایف مدیران، اولین گام در قانونمند کردن وظایف مدیران را برداشته است. از نظر سنتی، وظیفه امانی به حفظ منافع سهامداران (Cheryl, 2010: 772) یا حقوق شرکت اطلاق می‌شد (Smith, 2002: 1415; Ferber & Forrester, 2008: 1415) و طبق دیدگاه نویسندگان متأخر، مدیران ملزمند در راستای منافع سهامداران تلاش کرده و با حسن نیت برای بهبود عملکرد شرکت چه در طول حیات و چه در زمان انحلال آن اقدام کنند (Davis, 2007: 599). اما در خصوص معیارهای تشخیصی که ابتدا توسط قضات انگلیسی شرح و بسط داده شده است، می‌توان به وجود اعتماد و ممانعت از نفوذ ناروا یا تسلط و برتری مدیران (امین) اشاره کرد (Bernard S. Black, 2001: 2; Mayson, 2011: 87). بر اساس این قواعد، رعایت سه اصل ضروری است: ۱) وظیفه امانی مدیران به عنوان تعهدی الزام‌آور صرفاً در مقابل شرکت است و برای سهامداران و طلبکاران حقی ایجاد نمی‌کند؛ چراکه طلبکاران دعوی قراردادی مجزا اقامه کرده و سهامداران نیز جزو بدنه و اجزای شرکت هستند (Pasban, 2001: 36). از همین رو، فقط شرکت می‌تواند علیه مدیران به علت تخلف از وظایف موصوف، اقامه دعوی کند. البته در صورتی که مدیر معامله خاصی منعقد کرده که مربوط به سهامداران است، در برابر اعضای شرکت نیز وظیفه امانی دارد (Davis, op.cit: 599).

۲) برای آن که شرکت، مسئول اجرای تعهدات مدیران شود، باید مدیران در قالب هیأت مدیره اقدام کنند (Davis, Ibid: 599). اما تک تک مدیران، نسبت به شرکت و سهامداران وظیفه امانی دارند و باید با حسن نیت، تعهدات خود را در قبال شرکت و اعضای آن ایفا کنند و این اصل تا حد زیادی رابطه امانی را به نهاد تراستی در کامن‌لا نزدیک می‌سازد.^۱

۳) وظیفه امانی مدیران پس از خاتمه رابطه نمایندگی به منظور حفظ اطلاعات محرمانه‌ای که در زمان مدیریت خود به دست آورده‌اند، ادامه می‌یابد (Davis, Ibid: 601).

در مقام دآوری اصول ذکر شده و تطبیق آن با حقوق ایران، باید گفت: مدیران^۲ در مقابل اشخاص ثالث، رکنی از شرکت بوده و بین اراده آنان و اراده شخص حقوقی وحدت وجود دارد، اما در روابط داخلی، ارتباط آن‌ها با شرکت، تابع رابطه حقوقی نمایندگی است و این نمایندگی را مجامع عمومی به

۱. در نهاد تراست، تراستی با این که نماینده ذی‌نفع نیست، وظیفه حفظ و نگهداری اموال اصیل را دارد.

۲. به اعتقاد برخی از نویسندگان منظور از اصطلاح «مدیران»، اعضای هیأت مدیره‌اند و باید مدیر عامل را از تعریف آن خارج دانست؛ با این توضیح که قالب حقوقی مناسب جهت تعیین حدود اختیارات مدیر عامل، نهاد وکالت است. بر خلاف اعضای هیأت مدیره که به عنوان بالاترین رکن شخصیت حقوقی توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، مدیر عامل را هیأت مدیره انتخاب می‌کند (پاسبان، ۱۳۹۳: ۲۲).

آن‌ها اعطا می‌کنند و این اختیار عام و نمایندگی که مدیران به موجب مواد ۱۰۷ و ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. برای اداره شرکت دارند، آن‌ها را امین شرکت قرار داده (جنیدی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۹) و متعهد می‌کند که در اداره امور شرکت همواره حافظ منافع شرکت و سهامداران باشند و در خصوص اعتبار اعمال حقوقی و تصمیمات مدیران (اعضای هیأت مدیره) پس از پایان مأموریت نیز، قانون‌گذار به موجب ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت، مدیران سابق را کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن دانسته و وظایف و اختیارات آن‌ها را به استثناء صلاحیت‌های خاص مجامع و موضوع شرکت، تابع هیچ محدودیتی ندانسته است (پاسبان، ۱۳۹۳: ۳۰) این اختیار نامحدود به منظور تضمین اعتبار اعمال حقوقی شرکت در برابر اشخاص ثالث است.

۳. بررسی وظایف امانی در کامن‌لا و تطبیق با حقوق ایران

چهار مصداق اساسی وظایف امانی در کامن‌لا که برخی از آن‌ها از قوانین و برخی دیگر از رویه قضایی استخراج شده‌اند، عبارتند از رعایت وفاداری، وظیفه مراقبت و مهارت، رعایت حسن نیت، تعهد به ارائه گزارش‌ها و افشای اطلاعات. در حقوق ایران مصادیقی وجود دارد که تاحدی با مصادیق وظایف امانی هم‌خوان است و برخی از آن‌ها در ادامه بررسی می‌شوند.

۳.۱. رعایت وفاداری

مدیران به اقتضای موقعیتشان در شرکت، واجد اختیارات عامی هستند که زمینه سوءاستفاده یا امکان انتفاع شخصی از دارایی یا اطلاعات شرکت وجود دارد. از این رو، یکی از مهم‌ترین وظیفه امانی مدیران در نظام کامن‌لا به منظور کنترل و مقابله با هرگونه سوءاستفاده از موقعیت مدیریتی، وظیفه وفاداری است که در ماده ۶۵ ق. شرکت‌های تجاری انگلیس مصوب ۲۰۰۶ با عبارت «عملکرد مدیر با اعتقاد به تحصیل بهترین منافع شرکت» نام برده شده است. در تعریف این وظیفه آمده است: مدیری که شرکت را اداره می‌کند، باید اموال شرکت را در راستای منافع شرکت و سهامداران به کار گیرد و حق ندارد معامله‌ای که منجر به تعارض منافع می‌شود، منعقد کند (Brudney, 1997: 64). در حقوق انگلستان دو دیدگاه در این خصوص وجود دارد. طبق دیدگاه سنتی، وظیفه وفاداری به طور کلی، به عدم تعارض منافع مدیر با شرکت اطلاق می‌شود (Velasco, 2010: 1240). از مهم‌ترین مصادیق آن دعوی گاس علیه لوفت^۱

1. Guth v Loft Inc, 5 A2d 503 (Del Ch 1939) is a Delaware corporation law case on corporate opportunities and the duty of loyalty.

است که در رسیدگی به این دعوا مقرر شد به مدیران اجازه داده نمی‌شود که از اعتماد و اطمینانی که به آن‌ها شده، سوءاستفاده کنند و موقعیت امانی خود را وسیله کسب انتفاع قرار دهند و شخصاً از آن منتفع شوند. طبق دیدگاه مدرن که گسترده‌تر از معنای نخست است، مدیران باید بر اساس حسن نیت، در جهت تحصیل بهترین منافع شرکت و سهامداران عمل کنند؛ و این امر، مستلزم آن است که از هرگونه انتفاع شخصی از اموال و دارایی و فرصت‌های شرکت پرهیزند و از معامله با شرکت و رقابت با آن که منجر به تعارض منافع می‌شود، خودداری ورزند. در خصوص مبنای وظیفه وفاداری، بررسی‌های به‌عمل‌آمده حکایت از آن دارد که این نظریه از حقوق کلیسایی و بر مبنای قاعده انصاف نشأت گرفته و از دو اصل مهم به نام «اصل انتفاع انحصاری ذی‌نفع»^۱ و «اصل بی‌طرفی»^۲ امین استخراج شده است. بر اساس اصل انتفاع انحصاری، زمانی که مدیر در شرکت منصوب می‌شود، باید صرفاً در جهت منافع ذی‌نفع گام بردارد یا حداقل منافع شرکت و سهامداران را بالاتر از منافع خودش قرار دهد (9: Anabtawi & Stouth, 2006). اصل بی‌طرفی امین نیز به این مطلب اشاره دارد که امین نباید منافع شخص ثالثی را ولو غیر عمدی لحاظ کند (Smith, 2002: 1410). بنابراین، وظیفه وفاداری به عملکرد معقولانه مدیر در اداره شرکت برای تحصیل مصالح شرکت و منافع سهامداران اطلاق می‌شود.

در حقوق ایران در مورد وظیفه وفاداری مدیران، مقررات به قدر کافی صراحت و نصوصیت ندارند؛ اما از استقرا در مواردی که برای انجام بعضی از معاملات، محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های در نظر گرفته شده (مانند ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲ و ۱۳۳ و بند سوم ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت) می‌توان وظیفه وفاداری مدیران را استنباط کرد؛ چراکه این مقررات به منظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و حتی هرگونه احتمال تعارض وظایف نمایندگی با منافع شرکت، پیش‌بینی شده است. برای مثال، قانون‌گذار پاره‌ای از معاملات مهم از قبیل اعطای وام یا اعتبار به مدیران یا تعهد و تضمین دیون آن‌ها را به طور کلی که متضمن منفعتی برای شرکت نیست، مطلقاً باطل اعلام کرده است (ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت). در مورد دسته دیگری از معاملات که احتمال سوءاستفاده مدیران از موقعیت شرکت وجود دارد، ولی متضمن منفعتی برای شرکت نیز هست، به مدیران اجازه می‌دهد تحت نظارت سایر مدیران و تصویب مجمع عمومی، با شرکت معاملاتی

1. Exclusive Benefit Principle.

2. Fairness.

داشته باشند (ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت). در مورد انجام معاملاتی نظیر معاملات شرکت توسط مدیران که بی‌تردید منافع مدیر و شرکت را در تعارض با یکدیگر قرار می‌دهد، منع معاملات رقابت‌آمیز مدیران مورد حکم قرار گرفته است (ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت). البته اثر این منع، اختلافی است؛ یعنی دقیقاً روشن نیست که موجب بطلان معامله است یا مد نظر قانون‌گذار تنها جبران خسارت بوده است. ظاهر نحوه نگارش متن ماده و قواعد عمومی، فرض اخیر را تقویت می‌کنند. نهایتاً قانون‌گذار با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفی در فرض به‌کارگیری اختیارات و اموال و اعتبارات شرکت در جهت منافع شخصی مدیران، در واقع در صدد برآمده که از هرگونه سودجویی بر پایه موقعیت امانی جلوگیری کند (بند سوم ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت).

بنابراین، با توجه به مصادیق ذکر شده به نظر می‌رسد هدف مقنن در پاره‌ای از مصادیق، ممانعت از اقدامات معارض (سوءاستفاده از اموال و اختیارات شرکت و اعطای وام و اعتبار) در برخی دیگر پیش‌گیری از سوءاستفاده از موقعیت امانی (معامله با شرکت و معاملات نظیر شرکت) می‌باشد که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳.۱.۱. سوءاستفاده از فرصت و اطلاعات مربوط و متعلق به شرکت^۱

این نظریه، بر مبنای قاعده «ممنوعیت از انتفاع»^۲ شکل گرفته است؛ با این توضیح که هر مدیر سود و نفعی که به لحاظ موقعیت امانی خویش و با توجه به فرصت‌ها و اطلاعات مربوط و متعلق به شرکت به دست می‌آورد، باید به حساب شرکت بگذارد. در اعمال این قاعده تفاوتی ندارد که شرکت می‌توانسته یا نمی‌توانسته از آن بهره‌مند شود (حیدرپور، ۱۳۸۲: ۱۶). مواد قانونی صریحی در نظام حقوقی انگلستان و حقوق ایران وجود دارد که از مهم‌ترین مبنای توجیه وظیفه امانی مدیران تلقی می‌شود. طبق بند یک ماده ۱۷۰ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶،^۳ استفاده اختصاصی از هرگونه مال، فرصت یا اطلاعات مربوط به شرکت، انتفاع غیرمجاز از سمت مدیریت محسوب شده، مخالف امانت‌داری نسبت به شرکت است. در نظام حقوقی ایران سوءاستفاده از اموال یا اعتبارات شرکت بر خلاف منافع اصیل به منظور مقاصد شخصی در بند ۳ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. شناسایی شده و ضمانت اجرای حبس تأدیبی برای مقابله با آن وضع شده است.

1. Misfeasance.

2. The prohibition of profit.

۳. قانون شرکت‌های تجاری انگلستان مصوب ۲۰۰۶.

۳.۱.۲. وجود نفع شخصی در قراردادهای مدیران با شرکت^۱

در حقوق سنتی انگلستان، مدیران، امین و نماینده شرکت محسوب شده و حق انعقاد معامله با شرکت را نداشتند و طبق آراء صادره از محاکم، هرگونه قراردادی که مدیران مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی نفع بوده‌اند، باطل بوده و بر این اساس تفاوتی نمی‌کرد که حقوق شرکت و سهامداران لحاظ شده است یا خیر. این ممنوعیت مطلق بر اساس اصول اولیه و خشک قاعده عدم انتفاع انحصاری شکل گرفته بود؛ اما در حال حاضر، قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ ممنوعیت مدیران را به نحو متفاوتی در نظر گرفته و با تعدیل قواعد عدم تعارض منافع، وضعیتی را شناسایی می‌کند که مدیران با رعایت حدود اختیارات مشخص و معین و حفظ حقوق شرکت و سهامداران، حق انعقاد قرارداد با شرکت را دارند (نیک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۸۳). مستند قانونی در مورد معامله مدیران با شرکت، ماده ۱۱۱ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ است که معاملات منعقد در صورت ذی نفع نبودن و بی طرف بودن طرفین معامله و کسب اجازه از سهامداران و منصفانه بودن قیمت، صحیح و قانونی است. بنابراین، هدف اصلی از وضع مقرر مذکور، حمایت از منافع شرکت و رعایت حقوق سهامداران می‌باشد.

در لایحه اصلاحی قانون تجارت، قانون‌گذار یک دسته از معاملات را به جهت عدم انتفاع شرکت، مطلقاً باطل و ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت در این خصوص مقرر داشته: «مدیرعامل شرکت و اعضای هیأت مدیره به استثنای اشخاص حقوقی، حق ندارند هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل کند و شرکت نمی‌تواند دیون آن‌ها را تضمین یا تعهد کند. این گونه معاملات، به خودی خود باطل است»؛ و در مورد سایر قراردادها یک نظام کنترلی ایجاد و به مدیران اجازه می‌دهد که بتوانند تحت نظارت سایر مدیران و با تصویب مجمع عمومی با شرکت معامله کنند^۲ (اسکینی، ۱۳۸۴: ۱۵۵/۲). اگرچه در خصوص مبنای ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت اختلاف نظر وجود دارد، برخی معتقدند که مبنای این ماده با اقتباس از نظام حقوق فرانسه، ممنوعیت از انعقاد معامله با خود نماینده‌ای است که سمت خود را افشا نکند (باریکلو، ۱۳۸۳: ۴۱)؛ و برخی دیگر، ممنوعیت را برای پیش‌گیری از تعارض منافع با وظایف نمایندگی قلمداد کرده‌اند (ساجدی، ۱۳۸۵: ۳۴). به نظر می‌رسد قانون‌گذار کتمان سمت را اماره‌ای بر عدم رعایت غبطه شرکت و سوءاستفاده از موقعیت امانی دانسته است.

1. Personal interest in contracts with company directors.

۲. ر.ک: مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

۳،۱،۳. منع رقابت مدیران با شرکت^۱

در نظام سنتی حقوق انگلستان، به طور کلی، برای پرهیز از تعارض منافع، مدیران شرکت از انجام معاملات متضمن رقابت با شرکت، منع شده بودند؛ چراکه اقدام به فعالیت و معاملات مشابه، منافی وظیفه امانی مدیران به شمار می‌رفت.^۲ اما بعدها این نظریه مورد انتقاد حقوق دانان قرار گرفت و به دلیل منافع شرکت و جذب مدیران کارآمد و توجه به ماهیت و طبیعت فرصت تجاری، قاعده منع تعارض منقطع شد (ساجدی، ۱۳۷۸: ۳) و طبق آراء صادره از محاکم، مدیران می‌توانند در صورت تصویب مجمع عمومی یا با گنجاندن ماده‌ای در اساسنامه، منافی را که بدون سوءنیت در زمان مدیریتشان کسب کرده‌اند، حفظ کنند (Grantham, 2003: 23). در حقوق ایران، ماده ۱۱۳۳ ا.ق.ت در این خصوص بیان می‌دارد: «مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، انجام دهند». ذکر این نکته لازم است که آنچه در حقوق ایران به عنوان معاملات رقابتی مطرح است، در واقع عدم انجام فعالیت‌های مشابه فعالیت‌های شرکت توسط مدیر است که متضمن رقابت با شرکت و کاستن از منافع آن یا تحصیل منافی به جای شرکت باشد.^۳ این مفهوم با مفهوم معاملات رقابتی در حقوق انگلستان متفاوت است. در حقوق انگلستان آنچه به عنوان معاملات رقابتی مطرح می‌شود، نوعی مدیریت رقابتی است که مدیر نمی‌تواند به طور هم‌زمان مدیریت دو شرکتی را که فعالیت‌های مشابه دارند، بر عهده گیرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۳). نکته دیگر در خصوص فلسفه ممنوعیت در حقوق انگلستان این است که چنین معاملاتی، شرکت را درگیر اثبات حسن نیت یا سوءنیت مدیران نکند و معاملات، بدون درگیری با مراجع قضایی، قابل ابطال باشند (حیدرپور، ۱۳۸۲: ۳۲). اما هدف مقنن در حقوق ایران، جلوگیری از اضرار به شرکت است و ممکن است ضرری به شرکت وارد نشود، ولی هیأت مدیره نیز آن را تصویب نکند، در حالی که چنین شرطی در حقوق انگلستان وجود ندارد.

1. Non-compete managers with company.

۲. ر.ک: ماده ۳۰ قانون شرکت‌های مدنی مصوب ۱۸۹۰.

۳. معاملات به استناد ماده ۱۱۳۳ ا.ق.ت نه تنها باید نظیر معاملات شرکت باشد، بلکه باید متضمن رقابت با عملیات شرکت هم باشد؛ و در این صورت، انجام معاملات رقابتی از جانب مدیران با شرکت، ظاهراً موجب بطلان معاملات مدیران و اشخاص ثالث نیست، بلکه در صورت ورود خسارت، باید ضرر جبران شود و قانون‌گذار ضرر را اعم از ورود خسارت یا تقویت منفعت برشمرده است تا اثبات دعوی بر عهده مدعی (شرکت) آسان‌تر شود.

۳.۲. وظیفه مراقبت و مهارت

وظیفه مراقبت و داشتن مهارت، از دیگر وظایف امانی است که در اکثر کتب حقوقی انگلیسی مشاهده می‌شود. طبق این وظیفه، در نظام حقوقی کامن لا «مدیران موظفند تمام اطلاعات تجاری را تحصیل و ملاحظه کنند و زمانی را برای ارزیابی آن اختصاص دهند و عقاید افراد کارشناس و متخصص را لحاظ و فرضیه مناسب را مطرح و با درک صحیحی از شرایط مالی، تصمیم سنجیده‌ای اتخاذ و با نظارت بر فعالیت مدیران ارشد اجرایی، برنامه کنترلی شرکت را بازنگری کنند و با اطلاع‌رسانی از وضعیت شرکت و چالش‌های آن و نحوه عملکردش، سهامداران و اعضای هیأت مدیره را آگاه کنند» (Cherly, 2010: 758). در واقع، وظیفه داشتن مهارت، به توقع درجه‌ای از دانش^۱ و توانایی^۲ و مهارت خاص^۳ مدیران برای اعمال وظایف مدیریتی اطلاق می‌شود (Gregory, 2005: 18). ماده ۷۰ قانون شرکت‌های مصوب ۲۰۰۶ در این خصوص مقرر می‌دارد «مدیران شرکت‌ها در اجرای وظایف مدیریتی باید مراقبت و مهارت و کوشش خود را به نحوی که از یک شخص معقول انتظار می‌رود بدون در نظر گرفتن ماهیت شرکت و نوع تصمیم‌گیری و موقعیتشان رعایت کنند»؛ از این رو، مدیر مکلف است در نهایت صداقت و دقت، در فرآیند تصمیم‌گیری، نظارت، کنترل و اطلاع‌رسانی کوشا باشد.

وظیفه مراقبت و داشتن مهارت، به طور سنتی در حقوق انگلستان وجود داشته و بدون این‌که تحت قواعد و اصول معینی باشد، در دعاوی مختلفی مورد پذیرش قرار گرفته است. مطابق این آراء، مدیر از زمانی که در شرکت منصوب می‌شود، فعالیت خویش را بر اساس اطلاعات فرضاً صحیحی که در اختیار داشت، آغاز کرده و زمانی می‌توانست از مسئولیت اقداماتش بری شود که قادر بوده عدم اطلاع خویش را از عملکرد شرکت اثبات کند (Dine, 2001: 212). بعدها قاعده مسئولیت مبتنی بر تقصیر^۴ به رسمیت شناخته شد با بیان این اصل که «هرگاه مدیر با توجه به شرایط انسان معقول در اوضاع و احوال متعارف اقدام کند، مرتکب تقصیری نشده است». به اصل یادشده در دعاوی متعددی در این کشور استناد شد. به تدریج نظریه انسان معقول^۵ در حفظ ارکان مدیریتی مطرح شد که به موجب آن، مدیر و اعضای هیأت مدیره زمانی مسئول خواهند بود که مرتکب

-
1. Knowledge.
 2. Abilities.
 3. Technical skills likes ability of a certain type of stock trader who uses technical analysis to buy and sell stocks.
 4. Liability on The Ground Negligence.
 5. Reasonable Man.

تقصیر سنگینی شوند (Ferber & Forrester, 2008: 1239). در رویه جدید، معیار دادگاه‌ها در صدور حکم به مسئولیت ناشی از نقض وظیفه مراقبت، رعایت قاعده ارزیابی تجاری^۱ است (Furlow, 2009: 1094). این قاعده مبتنی بر این فرض قانونی است که تصمیم تجاری مدیر مبتنی بر منبع آگاه است و بر اساس حسن نیت و با عقیده راسخ که عملکردش در راستای منافع شرکت می‌باشد، اتخاذ شده است و به مدیر اجازه می‌دهد با اثبات عدم اطلاع از عملکرد شرکت یا نقض پیش‌آمده خود را از مسئولیت قانونی معاف سازد، مگر آن‌که عملکرد مدیر ناشی از تسامح فاحش یا سهل‌انگاری به نحوی بوده که قصور مدیر در ایفای وظایف مدیریتی محرز شود. به عبارت دیگر، تحقق مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی،^۲ مشروط به تکلیف مراقبت و مهارت است و نقض تکلیف، زمانی صورت می‌گیرد که درجه‌ای از مراقبت و مهارت که از انسان معقول و منطقی انتظار می‌رود، رعایت نشود.

در حقوق ایران، رویه قضایی نقش مؤثری در تبیین معیار این وظیفه امانی ندارد و ناگزیر باید بر اساس قواعد فقهی و قوانین موضوعه، ضوابط حاکم بر آن را تعیین کرد.

در نظام حقوقی ایران، اصل مسئولیت، مبتنی بر تقصیر است؛^۳ و مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر، در موارد استثنایی پذیرفته شده است.^۴ مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی و غفلت و عدم مراقبت، نیمی از پیکره مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر را تشکیل می‌دهد^۵ که ضابطه آن تجاوز از رفتار انسان متعارف است؛^۶ و بر اساس آن، تقصیر، انجام کاری است که این انسان فرضی در شرایط ورود ضرر انجام نمی‌داد یا ترک کاری که او در آن شرایط انجام می‌داد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۴۶). از این معیار نوعی در زمینه حقوق قراردادهای و هر جایی که ید متصرف امانی است، استفاده می‌شود (بادینی، ۱۳۸۹: ۷۵) و در قانون جزا نیز مقنن در مورد جرایم غیر عمدی تقصیر را مبنا قرار داده است. ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲. مقنن در ماده مذکور، مصادیق آن را احصا کرده و

1. The Business Judgment Rule.

2. Tort of Negligence.

۳. ر.ک: ماده یک قانون مسئولیت مدنی.

۴. مواد ۳۲۸ تا ماده ۳۳۰ قانون مدنی و قانون بیمه اجباری مسئولیت ۱۳۸۷.

۵. ر.ک: به مواد ۹۵۱-۹۵۳ قانون مدنی.

۶. الگوی احتیاط و مراقبت در قانون مدنی و مسئولیت مدنی مبتنی بر عملکرد انسان متعارف است و در این زمینه عموماً به مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ و استناد می‌شود با این وصف برخی از نویسندگان معتقدند منظور از متعارف و عرف در اصلاح انسان متعارف و قوانین مسئولیت مدنی، سیره عقلا است نه عرف عام لذا باید عقل را بر عرف افزود و از اصطلاح انسان معقول و متعارف استفاده نمود (بادینی، ۱۳۸۹: ۷۹).

همه خطاهای جزایی را در دو دسته بی احتیاطی و بی مبالاتی قرار داده است که به استناد تبصره ماده فوق الذکر «تقصیر اعم است از بی احتیاطی و بی مبالاتی. عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها که حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می‌شود».

بنابراین، از اطلاق ماده یک قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین استنباط می‌شود که مسئولیت ناشی از عدم مراقبت، منوط به وجود تکلیف احتیاط و مراقبت، نقض آن و ورود خسارت و احراز رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و خسارت حاصله می‌باشد (پیرهادی و نوعی، ۱۳۹۴: ۹۲). از این رو، صرف بی احتیاطی و عدم مراقبت به عنوان عمل زیان‌بار، موجب مسئولیت نیست. عدم مهارت نیز به عنوان یکی از مصادیق تقصیر کیفری به فقدان تسلط و چیرگی مادی و معنوی فرد بر اصول و ظرایف عملی اطلاق می‌شود. عدم مهارت مادی عبارت است از نداشتن ورزیدگی و تمرین کافی در اموری که مستلزم یادگیری و تمرین است (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۷۳)؛ و عدم مهارت معنوی، به عدم آگاهی مطلق یا نسبی در شغل یا حرفه مربوطه اشاره دارد (مرادی، ۱۳۹۰: ۵۶). در مواردی که تکالیف قانونی برای رعایت مهارت وجود دارد (مانند پزشکی و نظایر آن‌ها) شخص، مسئول تقصیر ناشی از خود خواهد بود؛ در غیر این صورت، با توجه به اصل برائت و رعایت حریم آزادی اشخاص، مسئول نخواهد بود (پیرهادی و نوعی، همان).

در حقوق تجارت، واژه مهارت در بند ن ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی و سنجش عقلایی سیستم اطلاعاتی مطمئن به کار رفته است، ولی نص صریحی که مدیران را به رعایت مراقبت و مهارت ملزم کند، ملاحظه نمی‌شود؛ اما با تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی می‌توان گفت از آن‌جا که تکلیف محوری مدیران، اداره امور شرکت در چهارچوب مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی است، وظیفه مراقبت و مهارت باید به گونه‌ای تعبیر و اجرا شود که مرتبط با تکلیف یادشده باشد. از طرفی چگونگی مواظبت و مراقبت بر اساس لیاقت و امانت، بر عهده مدیران است تا هرگونه صلاح می‌بینند، عمل کنند؛ و معیار عامی که نوع و چگونگی تعهد به مراقبت مدیران را تعیین می‌کند، داوری عرف است که گاه با قانون نیز تکمیل می‌شود. عدم مراقبت مدیران، زمانی متصور است که مدیران بر خلاف تکالیفی که جهت اداره شرکت بر عهده دارند، عمل کنند و مبنای تشخیص قصور مدیران، بی احتیاطی و بی مبالاتی در ایفای وظایف مدیریتی است. عدم مهارت نیز به عنوان یکی از مصادیق تقصیر، به وضعیتی گفته می‌شود که مدیران، فاقد دانش و تخصص و

تجربه کافی در اداره شرکت باشند، و به این دلیل، ضرر و زیانی به شرکت وارد کنند؛ در این صورت، مدیر به استناد ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت مسئولیت دارد (حسنی، ۱۳۷۸: ۱۳۳).

۳.۳. تعهد به دادن گزارش و افشای اطلاعات

از دیگر وظایف امانی مدیران، اطلاع‌رسانی وضعیت کیفی و کمی شرکت به سهامداران است^۱ تا سهامداران بتوانند بهترین تصمیم تجاری را بگیرند و بر روند کار شرکت به‌ویژه نحوه اداره آن و عملکرد مدیران نظارت کنند. از طرفی به رغم اختیارات عام و نامحدود مدیران در برابر اشخاص ثالث، رابطه آن‌ها در مقابل شرکت، تابع رابطه حقوقی نمایندگی است و این نمایندگی و اختیارات عام، آن‌ها را امین شرکت قرار داده و این امانت نیز باعث دسترسی آن‌ها به اطلاعات محرمانه و نهانی^۲ شرکت می‌شود که در قبال شرکت، مسئول حفظ این اطلاعات می‌باشند. طبق این نظریه که در حقوق انگلستان از قاعده انصاف نشأت گرفته است (Dine, 2001: 212)^۳ مدیران به عنوان دارندگان رده اول اطلاعات محرمانه و نهانی، متعهد می‌شوند برای منافع شرکت و سهامداران، از این اطلاعات محافظت کنند و جز برای انجام صحیح وظایف ناشی از موقعیت مدیریت خود، این اطلاعات را نزد دیگران افشا نکنند^۴ (Foerster and Celeste, 2008: 28-29). بر این اساس، ابتدا تعهد مدیران در حفظ و افشای اطلاعات محرمانه شرکت را تحلیل کرده، سپس به تعهد ارائه گزارش به سهامداران خواهیم پرداخت.^۵

1. Duty of Disclose refers to obligation of directors to disclose to the stockholders all of the fact and circumstances relevant to the directors decision.

۲. به آن دسته اطلاعاتی گفته می‌شود که مربوط به شرکت یا اوراق بهادار می‌باشد که هنوز برای عموم سرمایه‌گذاران منتشر نشده که در صورت انتشار، تأثیری قابل توجه بر قیمت اوراق بهادار خواهد داشت (جنیدی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۲).

۳. با توجه به این که مالک اطلاعات نهانی و محرمانه، شرکت است و مدیران به دلیل موقعیت و وظایفشان، اطلاعات نهانی و محرمانه را در اختیار دارند، نباید از سمت امانی خود در جهت کسب منافع شخصی استفاده کنند یا در وضعیتی قرار بگیرند که وظایف نمایندگی آنان با منافعشان در تعارض قرار گیرد. چنین تفکری است که اساس نظریه تعهدات امانی مدیران در افشای اطلاعات در حقوق انگلستان را تشکیل می‌دهد و مبنای ممنوعیت معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه است (Opoku, 2006: 36). در دعوی SEC v Texas Gulf Sulphur Company [1968] 2d833 این‌گونه حکم داده شده است که مدیرانی که بر اساس اطلاعات افشانشده معامله می‌کنند، در مقابل شرکت، بابت منفعی که به دست می‌آورند، مسئولیت دارند.

4. The fiduciary duties arising out of the agency relationship may prevent him from realising a profit on the acquisition of securities to his own advantage (Alexander, 2001: 21).

۵. این قسمت فقط در مقام بررسی مفهوم تعهدات امانی مدیران مبتنی بر افشای اطلاعات نهانی است و به سایر تعهدات دارندگان ثانویه و ارکان شرکت و کارگزاران بورس و ... نمی‌پردازد.

۱،۳،۳. تعهد به افشای اطلاعات به عموم سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار

در نظام حقوقی انگلستان^۱ قواعد مربوط به افشای اطلاعات محرمانه، ماهیتی دوگانه دارد؛ به این ترتیب که همان‌طور که گفته شد، مدیران به عنوان دارندگان اصلی اطلاعات محرمانه، از افشای اطلاعات نزد اشخاص ثالث به منظور افزایش منافع شرکت منع می‌شوند، مگر این‌که اعلام و افشا به منظور انجام وظیفه شخصی و حرفه‌ای صورت گرفته باشد.^۲ این شکل از ممنوعیت، برای تعهد دارنده اطلاعات به امانت و رازداری می‌باشد که در صورت سوءاستفاده از اطلاعات مزبور در معاملات اوراق بهادار، نسبت به شرکت، از لحاظ کیفری و مدنی مسئول می‌باشند (Black, 2004: 101). از سوی دیگر، زمانی که برخی از اشخاص داخلی یا مرتبط با شرکت، پیشاپیش از اطلاعات محرمانه و منتشر نشده شرکت مطلع باشند، در حالی که این اطلاعات برای دیگر سرمایه‌گذاران افشا نشده باشد، نتیجه آن، استفاده اشخاص داخلی یا مرتبط با شرکت از این‌گونه اطلاعات و تحصیل سود و منافع بیش‌تر یا وضع ضرر احتمالی به زیان سایر سرمایه‌گذاران خواهد بود (شریفی، ۱۳۸۴: ۱۷۶). در این صورت، مدیران ملزمند اطلاعات محرمانه را به منظور کاهش امکان سوءاستفاده احتمالی دارندگان و وقوع معاملات مبتنی بر آن، فوراً منتشر کنند.^۳ بنابراین، دلیل ممنوعیت افشای اطلاعات محرمانه قبل از انتشار آن برای عموم، به لحاظ وجود رابطه و موقعیت امانی مدیران با شرکت است و الزام به فوریت افشای آن برای عموم به محض فاش شدن آن، به منظور حفظ اعتبار شرکت و جلب سرمایه‌گذاران آتی برای فعالیت تجاری و به طریق اولی در جهت حفظ منافع سهامداران است.

در حقوق ایران، قانون‌گذار، مدیران شرکت^۴ اعم از اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و معاونان آنان را دارنده رده اول اطلاعات نهانی^۵ شناخته و اعمال ممنوعه را که مختص این افراد

۱. قوانینی که در نظام حقوقی انگلستان در خصوص شناسایی سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه تصویب شده عبارتند از: قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶؛ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۳؛ قانون بازار و خدمات مالی مصوب ۲۰۰۰؛ و دستورالعمل اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۴ که انگلیس نیز از این دستورالعمل پیروی کرده است.

۲. ر.ک: ماده ۱۸ قانون بازار و خدمات مالی مصوب ۲۰۰۰ و ماده ۳ دستورالعمل اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۳.

3. Disclosure of inside information.

۴. مدیران به معنای اعم، مورد نظر مقنن بوده است که شامل عموم اداره‌کنندگان شرکت است.

۵. دارنده رده اول اطلاعات نهانی (Primary insider) که برخی آن‌ها را دارندگان اصلی (شریفی، ۱۳۸۳: ۱۸۸) و برخی دیگر دارندگان دائم (میرزایی، ۱۳۸۹: ۲۴۲) نامیده‌اند، کسانی هستند که به دلیل موقعیت خود، به این اطلاعات دست می‌یابند، به نحوی که بین داشتن موقعیت و به دست آوردن اطلاعات، رابطه سببیت عرفی وجود دارد (جنیدی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۵۶).

است، شناسایی کرده است. این اعمال شامل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی، سوءاستفاده از اطلاعات نهانی و فراهم کردن موجبات افشای اطلاعات نهانی می‌باشد. به موجب بند ۱ و ۲ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ اگر مدیر یا مدیرانی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار بر حسب وظیفه امانی در اختیار آن‌ها قرار گرفته، به نحوی از انحا قبل از انتشار مبادرت به خرید و فروش اوراق بهادار کنند و این امر منجر به ورود ضرر به دیگران یا انتفاع به نفع خود یا اشخاص ثالث شود یا با سوءاستفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت کنند یا موجبات افشا و انتشار آن در غیر موارد مقرر فراهم کنند، به مجازات حبس تعزیری و جزای نقدی و جبران خسارت، محکوم خواهند شد. علاوه بر این که هرگاه مدیران با استفاده از اطلاعات محرمانه معامله‌ای منعقد کنند که به حیثیت و سرمایه معنوی شرکت نیز صدمه وارد کند، مدیران به دلیل نقض تعهدات امانی خود نسبت به شرکت، مسئول جبران همه خسارت یا بخشی از آن که متناسب به عمل مدیران مزبور باشد، خواهند بود (جنیدی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۵۵). در نتیجه، می‌توان گفت در هر دو نظام حقوقی، مبنای محرمانه نگه داشتن این‌گونه اطلاعات، وظیفه امانی است که به منظور حفظ اعتبار و منافع شرکت، مدیران را از افشای اطلاعات و نتیجتاً سوءاستفاده از آن منع می‌کند؛ و زمانی که این‌گونه اطلاعات مورد سوءاستفاده برخی از افراد قرار گیرد و بعضاً معاملاتی مبتنی بر آن منعقد شود، مدیران را ملزم به افشای فوری اطلاعات می‌کند.

۳.۳.۲. تعهد به دادن گزارش به سهامداران

مدیران به عنوان رکن اجرایی شرکت، واجد اختیارات تامی برای اداره شرکت می‌باشند؛ از این رو، نظارت و کنترل بر نحوه عملکرد مدیران امری اجتناب‌ناپذیر است و در صورتی این امکان توسط سهامداران مهیا می‌شود که دارای اطلاعات اساسی و مرتبط با موقعیت و جایگاه مدیران باشند. از طرفی جایگاه امانی و رعایت غبطه و مصلحت شرکت، اقتضا دارد که سهامداران از برخی معاملات مدیران مطلع باشند. به همین دلیل، به موجب قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ برای ارائه گزارش و افشای اطلاعات مدیران، موارد متعددی پیش‌بینی شده تا امکان نظارت بر عملکرد مدیران توسط سهامداران مهیا شود که این موارد عبارتند از:

(۱) مدیران باید ظرف ۱۵ روز از تعیین سمت، گزارش‌های مالی را به یک یک سهامداران ارسال کنند (بند یک ماده ۵۶).

۲) مدیران موظفند پس از انقضای سال مالی گزارش‌های مالی سالیانه را آماده کنند و عندالاقضا در صورت نیاز، سهامداران قبل از انقضای سال مالی با ارسال اظهاریه‌ای می‌توانند از شرکت خواستار آن شوند (بند دوم ماده ۵۶).

۳) گزارش‌ها و صورت حساب مالی مدیران باید با قید تاریخ و نام مدیران در حال فعالیت و نام مدیرانی که در خاتمه سمت مدیریت می‌باشند، با امضای مدیر یا مدیران تنظیم شود (بند سوم ماده ۵۶).

۴) مدیرانی که نفعی در معاملات دارند یا با شرکت معامله می‌کنند، باید ماهیت و میزان انتفاع را به سهامداران و مدیرانی که منتفع نبودند، اطلاع دهند تا اکثریت عددی سهامداران آن را تصویب کنند (ماده ۶۸).

۵) مدیران موظفند اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را برای بازرسی و کنترل بازرسان در اختیارشان قرار دهند (ماده ۳۱۶).

از مجموع مواد قانونی درمی‌یابیم که هدف مقنن، بررسی صحت و درستی نحوه عملکرد مدیران در مدت تصدی می‌باشد و در خصوص ضمانت اجرای نقض افشا و ارائه گزارش‌ها، قانون‌گذار مستقیماً دخالت کرده و ضمانت اجرای مالی را در نظر گرفته که به موجب بند چهارم ماده ۵۶ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶، مدیران را به جهت نقض تعهدات، به پرداخت جریمه مالی محکوم کرده است.

در نظام حقوقی ایران، بخش خاصی از مواد قانون تجارت به این مسأله اختصاص نیافته، اما می‌توان تعهد به ارائه گزارش‌ها به‌ویژه گزارش‌های توجیهی و تهیه صورت‌های مالی شرکت را در مقررات پراکنده لایحه اصلاحی قانون تجارت یافت. گزارش‌های مزبور تا حدی وظیفه مدیران در شفاف‌سازی روند فعالیت شرکت را پوشش می‌دهد. این مواد عبارتند از:

۱) تهیه و تقدیم گزارش معاملات مدیران با شرکت به اولین مجمع عمومی عادی (ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت).

۲) تهیه و تقدیم خلاصه دارایی و صورت دیون و مطالبات شرکت هر شش ماه یکبار به بازرسان (ماده ۱۳۷ ل.ا.ق.ت).

۳) ارائه گزارش‌های عملیات مدیران و صورت حساب‌ها و ترازنامه و حساب سود و زیان در مرکز شرکت به درخواست سهامداران و امکان تهیه رونوشت از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی (ماده ۱۳۹ ل.ا.ق.ت).

- ۴) گزارش راجع به افزایش و کاهش سرمایه شرکت و پیشنهاد افزایش یا کاهش سرمایه آن (ماده ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۸۹ ل.ا.ق.ت).
- ۵) ارائه اسناد و اطلاعات مربوط به شرکت، زمانی که بازرسی جهت رسیدگی مطالبه کند (ماده ۱۴۹ ل.ا.ق.ت).
- ۶) گزارش سلب حق تقدم از سهامداران در فرض تصمیم شرکت به افزایش سرمایه (تبصره ماده ۱۶۷ ل.ا.ق.ت).
- ۷) تهیه صورت‌های مالی برای ارائه بازرسان به مجمع عمومی سالیانه (ماده ۲۳۲ ل.ا.ق.ت).
- ۸) لزوم ضمیمه گزارش حسابداران رسمی به صورت حساب‌ها و ترازنامه‌ها (ماده ۲۴۲ ل.ا.ق.ت)

۳.۴. عمل به حسن نیت

از جمله مهم‌ترین اصول کلی حقوقی که در پی نفوذ اخلاق و انصاف در عرصه حقوق موضوعه ظاهر شده، اصل حسن نیت است که در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تهیه شده توسط مؤسسه وحدت حقوق خصوصی، کنوانسیون بیع بین‌المللی و قانون یکنواخت بازرگانی^۱ به عنوان عملکرد صادقانه و رفتار منصفانه نام برده شده است. این اصل در حقوق موضوعه نیز به عنوان قاعده کلی در زمینه اجرای وظایف مدیران پذیرفته شده است. از نظر اصطلاحی، تعاریف متعددی ارائه شده است. برخی حسن نیت را حالتی درونی مبتنی بر قصد و باور درست دانسته‌اند که واجد دو جنبه اجباری و سلبی است. جنبه اجباری به معنی قصد و باور درست و پسندیده و جنبه سلبی به مفهوم خودداری از حيله، اغفال، کتمان واقع و پرهیز از تحصیل هرگونه امتیاز نامعقول از دیگری است (black, 1968: 9).^۲ برخی دیگر، عملکرد صادقانه و معقولانه، بدون هدف و قصد تقلب را شرط تحقق این اصل دانسته‌اند (Ferber&Forrester, 2008: 20). مجلس اعیان انگلیس، حسن نیت را رفتار منصفانه، آشکار، بدون هیچ‌گونه پنهان‌کاری توصیف کرده است (Treitel, 2003: 273). با توجه به تعاریف فوق، می‌توان گفت: «حسن نیت، وجود صداقت و خلوص نیت در انجام وظایف قانونی و عرفی است».

اصطلاح «عملکرد با حسن نیت مدیران»، به اعتقاد برخی از نویسندگان، به عملکرد صادقانه و وظایف قانونی اطلاق می‌شود (Davis, 2007: 601)؛ و برخی دیگر، به ایمان راسخ

1. UCC.

2. Www. Black, Henry, Lawdictionary, 1968, Henry Campbell. A. Black-Amazon. Com.

مدیر مبنی بر این که تصمیمات تجاری مأخوذه، در جهت تحصیل بهترین منافع برای شرکت بوده، اشاره کرده‌اند (Ferber&Forrester, 2008: 119). به نظر می‌رسد این دو تعریف قابل جمع باشند؛ چراکه رعایت مقررات قانونی و مقررات حاکم بر وظایف امانی برای تحصیل کسب منافع شرکت، شروط لازم مدیریت مبتنی بر اصول وظیفه امانی است. به موجب ماده ۶۵ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ این وظیفه به عنوان اعتقاد قلبی مدیر به عملکرد خالصانه در جهت منافع شرکت یاد شده است. به هر حال، با بررسی منابع حقوقی انگلیس درمی‌یابیم که برای تحقق عملکرد با حسن نیت، باید چهار ویژگی وجود داشته باشد:

(۱) خلوص نیت در باور یا هدف؛^۱

(۲) پای‌بندی به وظایف و تعهدات محول؛^۲

(۳) رعایت استانداردهای معقول تجاری در مورد معامله منصفانه؛^۳

(۴) فقدان قصد کلاهبرداری یا اخذ منافع موهوم.^۴

در رویه قضایی سابق انگلستان و آمریکا این وظیفه به عنوان شرط تحقق وظایف امانی مربوط به مراقبت و وفاداری مورد شناسایی قرار می‌گرفت (Velasco, 2010: 1249). قضات معتقد بودند حسن نیت واجد مفهومی کلی و اخلاقی است و اندیشه‌های فکری و فلسفی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و تحول این وظیفه امانی داشته‌اند تا این که مجلس عالی دلور در پرونده دسینی^۵ عملکرد با حسن نیت را وظیفه امانی مستقل شناخت و به تبیین قواعد حاکم بر این نوع وظیفه پرداخت و محاکم نیز از آن تبعیت کردند. مطابق دیدگاه مزبور، موارد نقض این وظیفه مستقل، به سه مورد زیر محدود می‌شد:

۳،۴،۱ اهداف نادرست^۶: جایی که مدیران هدفی غیر از تحصیل منافع برای شرکت

داشته باشند.

۳،۴،۲ سوء نیت شخصی^۷: زمانی که عملکردشان به انگیزه آسیب رساندن و ایجاد خسارت

به شرکت باشد؛ در این صورت، وظیفه وفاداری را نیز نقض کرده‌اند.^۸

1. Honesty In Belief purpose.

2. Faithfulness To One's Duty Or Obligation.

3. Observance Of Reasonable Commercial Standards Of Fair Dealing.

4. Absence Of Intent To Defraud Or To Seek Unconscionable Advantage.

5. The Walt Disney Co. Derivative Litig, 906 A.2d 27 (Del. 2006).

6. Improper Purpose.

7. Subjective Bad Faith.

8. Nagy V. Bistricher, 770 A.2d 43, 49 N.2 (Del. Ch. 2000).

۳،۴،۳. **نقض تعمدی قانون**^۱: مدیران زمانی که تعهدات قانونی و قراردادی خویش را نقض کنند، در برابر شرکت، مسئول خسارت وارده می‌باشند (Gold, 2009: 476).

با وجود این، هرگاه مدیران از اجرای وظایف مصرح در اساسنامه استنکاف کرده یا خارج از حدود اختیارات قانونی یا قراردادی اقدام کنند، به جهت قصور فاحش مسئولند، نه به جهت نقض حسن نیت (Mayson, 1993: 79). نکته دیگر آن که منظور از عبارت سوءرفتار عامدانه^۲ که محاکم در باب مسئولیت مدیران از آن نام می‌برند، همان نقض تعمدی قانون است (Furlow, 2009: 1073-1074).

در نظام حقوقی ایران، لزوم رعایت حسن نیت به صورت پراکنده در برخی از مقررات پیش‌بینی شده است؛^۳ اما در خصوص فراگیر بودن آن به عنوان یک قاعده عمومی، علمای حقوق دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی معتقدند «در حقوق ایران، اصلی به نام حسن نیت در قراردادهای پیش‌بینی نشده، اما با مطالعه موارد لزوم حسن نیت در حقوق بیگانه، می‌توان عرف و عادت را جز در موارد استثنایی، جانشین حسن نیت دانست» (شهیدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲/۳). این نظر مورد تأیید بعضی حقوقدانان قرار گرفته است؛ چنان که برخی اساتید حقوق نیز اعلام کرده‌اند:

1. Intentional Violation of Law.

2. Intentional Misconduct.

۳. ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد: «در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد». ماده ۳۵ قانون مذکور اشعار می‌دارد که «اطلاعات اعلامی و تأییدی اطلاعات اعلامی به مصرف‌کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود»؛ و بر اساس ماده ۱۱ قانون بیمه چنانچه بیمه‌گذار یا نماینده او با قصد تقلب، مالی را اضافه بر قیمت عادلانه در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد، عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست؛ و ماده ۱۲ این قانون نیز مقرر می‌دارد «هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذب بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذب طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد، عقد بیمه باطل خواهد بود، حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت، نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته، قابل استرداد نیست، بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند» که برخی از حقوقدانان معتقدند بر اساس مواد ۱۱ و ۱۲ قانون بیمه، بیمه‌گذار به دلیل نداشتن صداقت و حسن نیت در اظهارات خود می‌بایست این مجازات مدنی را تحمل کند (باریکلو و خزائی، ۱۳۹۰: ۶۲)؛ و در قانون تجارت نیز اگرچه صریحاً این عبارت استفاده نشده، برخی از حقوقدانان معتقدند که از مواد ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۹ و ۳۰۷ قانون تجارت می‌توان اصل مزبور را برداشت کرد (فخاری، ۱۳۸۱: ۳۱ به بعد).

«رفتار با حسن نیت، همان رفتار معقول و متعارف است که با مراجعه به عرف در اغلب موارد می‌توان به همان نتیجه‌ای رسید که اصل حسن نیت اقتضا دارد» (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۷). البته برخی استادان دیگر، این اصل حقوقی را با استناد به مواد ۲۲۷، ۲۷۹، ۳۸۷ و ۴۰۲ قانون مدنی و مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و قواعد حقوقی مانند قاعده «لاضرر» و «احسان» و «من له الغنم فعليه الغرم»، در قالب شرط ضمنی و بنایی پذیرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۷۳/۲-۵۲۶). بعضی از نویسندگان نیز معتقدند اصل حسن نیت یکی از اصول کلی حقوقی است که رفتار صادقانه را در اجرای تعهدات ایجاد می‌کند و دارای خصایص کلی و دائمی بودن، انتزاعی و ارزشی بودن می‌باشد (محسنی، ۱۳۸۵: ۲۳۲-۲۳۳). درباره جایگاه حسن نیت باید گفت با توجه به این که این نظریه، موافق قاعده احسان و لاضرر در فقه و نظریه وکالت ظاهری در حقوق موضوعه است، فارغ از قالب حقوقی آن، می‌توان قائل به پذیرش این نظریه در حمایت از اشخاص صادق، به‌ویژه اشخاص ثالث ناآگاه شد.

در حقوق تجارت، بررسی اجمالی مواد قانونی پراکنده، مبین آن است که حسن نیت به طور صریح و ضمنی پیش‌بینی شده است که برای مثال، می‌توان به ماده ۳ و ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد که قانون‌گذار صراحتاً در تفسیر مقررات قانون و نیز انعقاد قرارداد الکترونیکی، آن را پذیرفته است. در خصوص عملکرد با حسن نیت مدیران، مذاقه در قانون تجارت، مبین آن است که قانون‌گذار رعایت حسن نیت در اعمال و اقدامات مدیران با اشخاص ثالث را در نظر داشته و عملکرد و معاملات مدیران را در راستای این اصل قرار داده است و از طرفی برای ایجاد مسئولیت کیفری مدیران در برخی از جرایم، شرط سوءنیت یا فقدان حسن نیت مدیران را ملاک قرار داده که چنین موضعی دست‌کم حکایت از پذیرش ضمنی این وظیفه امانی دارد. از مواردی که نشانگر احترام به حسن نیت اشخاص ثالث است و مدیران ملزم به رعایت آن می‌باشند، می‌توان به مواد ۱۰۰ قانون تجارت و ۱۱۸، ۱۳۵ و ۲۷۰ ل.ا. قانون تجارت استناد کرد که مبنای غیر قابل استناد بودن عملکرد نادرست و قصور مدیران در مقابل اشخاص ثالث، احترام و اعتماد به حسن نیت این افراد است. به علاوه، عنصر معنوی بسیاری از جرایم مدیریتی، فقدان حسن نیت است. در خصوص مواردی که مقنن برای تحقق مسئولیت کیفری مدیران، سوءنیت آن‌ها را ملاک قرار داده، می‌توان به بند اول ماده ۲۴۳، ماده ۲۴۶ و ماده ۲۵۸ قانون اصلاح قانون تجارت و ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ اشاره کرد.

۴. آثار ناشی از نقض وظایف امانی مدیران

در این قسمت، به مبانی و شیوه‌های جبران خسارت و عناوین مجرمانه ارتكابی در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم.

۴.۱. مسئولیت مدنی ناشی از نقض وظایف امانی مدیران

ممکن است عوامل متعددی باعث ایجاد ضرر و در نتیجه، مسئول شناختن مدیران در ایفای وظایف مدیریتی شود؛ اما در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که هرگاه مدیری وظایف امانی خویش را نقض کند، بر چه مبنایی مسئول است؟ در رویه قضایی انگلستان، مبنای مسئولیت ناشی از نقض وظایف امانی، اصولاً شبه‌جرم ناشی از تقصیر است، به استثنای نقض وظیفه مراقبت که تسامح فاحش و قصور سنگین، منشأ مسئولیت باشد؛ در این صورت، موضوع در طبقه شبه‌جرم ناشی از غفلت و سهل‌انگاری قرار می‌گیرد.^۱ در نظام حقوقی ایران نیز هم مقررات کلی و هم مقررات خاص، در زمینه این موضوع وجود دارد. به طور عام مدیران موظفند در راستای منافع شرکت و سهامداران و در چهارچوب مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و یا تصمیمات مجامع اقدام کنند (پاسبان، ۱۳۸۹: ۲۲۰). در صورت سوءاستفاده از سمت امانی در جهت کسب منافع شخصی و یا در تعارض با وظایف نمایندگی، ممکن است منفرداً یا مشترکاً نسبت به خسارات وارده در نتیجه عملکرد خود، مسئول شناخته شوند. در صورت ایجاد مسئولیت اشتراکی، دادگاه سهم هر یک از مدیران متخلف در ورود خسارت و نحوه جبران آن را معین و هر یک از آنان را به پرداخت قسمتی از خسارت که در سهم او قرار گرفته، محکوم می‌کند.^۲ به طور خاص، مقنن در ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، با شناسایی موارد سوءاستفاده از اطلاعات نهانی، مدیران را از افشای اطلاعاتی که در راستای موقعیت و وظایف خود در اختیار دارند، منع کرده است. در صورت استفاده مدیران از اطلاعات برای مقاصد شخصی یا ورود ضرر به دیگران یا به اشخاصی که از طرف آن‌ها نمایندگی دارند، مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند.

علاوه بر این، در صورتی که مدیران در انجام مسئولیت امانی خود مرتکب قصور شوند، قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ شیوه‌هایی را برای جبران ضرر زیان‌دیده پیش‌بینی کرده و مدیران ملزم به رعایت آن هستند که به طور مشخص در حقوق ایران دیده نمی‌شود، گرچه از عموماً قانون مدنی، قانون تجارت، قانون بورس و قواعد مسئولیت مدنی در مواردی قابل

1. See *Zastrow V Journal Commc Ns, Inc*, 718, N.W.2d.51 (Wis.2006).

۲. ر.ک.: م. ۱۱۴۲. ا.ق.ت.

استنباط است: ۱) استرداد اموال شرکت؛ ۲) ابطال معاملاتی که مدیر ذی‌نفع است یا اطلاعات محرمانه را افشا نکرده است؛ ۳) محاسبه منافع؛ ۴) جبران خسارت در جایی که شرکت متحمل ضرر شده است (Salmon, 2006: 6). ولی در مورد شیوه جبران خسارت در زمینه نقض وظیفه مراقبت و مهارت، وضعیت متفاوت است؛ چون همان‌طور که قبلاً اشاره شد، زمانی می‌توان مدیر را مسئول قلمداد کرد که مرتکب تقصیر فاحشی شده باشد که در این صورت، دادگاه مکلف است حکم به پرداخت خسارت شرکت و سهامداران را صادر کند (Velasco, 2010: 1315).

۴.۲. اعمال مجرمانه ارتكابی

در حقوق انگلستان و ایران تعدادی از شایع‌ترین اعمال مجرمانه ناشی از قصور در انجام وظایف امانی، شامل این موارد است:

۴.۲.۱. تجارت زیان‌بار: زمانی که مدیران با آگاهی از وضعیت مالی شرکت که در آستانه ورشکستگی است، به قصد اضرار طلبکاران، معاملاتی منعقد می‌کنند و این معاملات تأثیر مستقیمی در ورشکستگی شرکت داشته باشد، دادگاه انگلیس علاوه بر صدور حکم محکومیت به استناد ماده ۲۱۴ قانون توقف و اعسار مصوب ۱۹۸۶، در صورتی که ادامه مدیریت را در این شرکت‌ها یا شرکت‌های دیگر، مخالف با حقوق شرکت و سهامداران تشخیص دهد، می‌تواند با استناد به ماده ۱۰ قانون سلب صلاحیت با صدور حکم سلب صلاحیت، مدیر را از ادامه فعالیت با تعیین مدت بازدارد (Ferber&Forrester, 2008: 247). در حقوق ایران این شکل از جرم‌انگاری و محرومیت اجتماعی شناسایی نشده است؛ اما قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ ا.ق.ت با تأکید بر مسئولیت مدنی، مدیران یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت معلول تخلفاتشان بوده، با درخواست ذی‌نفع، منفرداً یا متضامناً به تأدیة آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم کرده است. به نظر می‌رسد ممنوعیت مقرر، از حیث موضوع، کلی است؛ و همه تخلفات مدیران را که تأثیر مستقیم بر ورشکستگی یا عدم کفایت دارایی دارند، شامل می‌شود؛ اما از حیث ارکان تشکیل‌دهنده مسئولیت و میزان خسارت، محدود است به انحلال یا ورشکستگی شرکت و اقامه دعوی ذی‌نفع و تأدیة تا میزان دیونی که به علت کسر دارایی شرکت، غیرقابل پرداخت می‌باشد.

۴,۲,۲. تجارت کلاهبردانه^۱: به معاملاتی که به قصد اضرار طلبکاران و استفاده از وجوه غیرمجاز سرمایه‌گذاران و لکه‌دار کردن اعتبار شرکت منعقد شده، اطلاق می‌شود. به موجب ماده ۳۴۰ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ «مدیری که به قصد کلاهبرداری از طلبکاران یا اهداف متقلبانه معامله‌ای منعقد می‌کند، صرف‌نظر از این‌که شرکت ورشکسته باشد یا نباشد، به محکومیت ۷ سال حبس یا جزای نقدی یا هر دو محکوم می‌شود»؛ و به موجب ماده ۲۱۳ قانون توقف، اگر چنین معاملاتی در دوران تصدی مدیر تصفیه صورت پذیرد، علاوه بر حکم محکومیت، به سلب صلاحیت در این شرکت یا شرکت‌های تجاری دیگر نیز محکوم می‌شود (ماده ۱۰ قانون سلب صلاحیت). در نظام حقوقی ایران، این‌گونه معاملات جزو اعمال ممنوعه بوده، اما جرم تلقی شدن این شکل از معاملات، جز در فرضی که عناصر جرم کلاهبرداری را داشته باشند یا با عنوان مجرمانه دیگری قابل انطباق باشند، مورد حکم قرار نگرفته است. البته با اندکی اغماض و با استنباط از وضعیت حقوقی معاملات تاجر ورشکسته، می‌توان به قابل فسخ بودن معاملاتی که قبل از تاریخ توقف به قصد اضرار طلبکاران یا فرار از دین که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین‌المعامله بوده (ماده ۴۲۴ قانون تجارت) و باطل بودن معاملات صوری و مسبوق به تبانی قبل از اعلام تاریخ توقف (ماده ۴۲۶ قانون تجارت) و باطل بودن معاملاتی که اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید کند و به ضرر طلبکاران تمام شود، در فاصله تاریخ توقف و حکم توقف (ماده ۴۲۲ قانون تجارت) اشاره کرد.

۴,۲,۳. استفاده متقلبانه یا تخریب اموال شرکت^۲: از آن‌جا که اموال و دارایی‌های شرکت به عنوان امانت در اختیار مدیران و سهامداران قرار دارد، ماده ۳۳۸ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ در این خصوص اشعار می‌دارد: «مدیری که اموال شرکت را متقلبانه أخذ کند یا برای منافع شخصی یا هدفی غیر از اهداف شرکت استفاده کند یا متقلبانه اموال شرکت را پنهان یا خراب کند، به محکومیت ۷ سال حبس یا جزای نقدی یا هر دو محکوم می‌شود». در حقوق ایران، مقنن ضمانت اجرایی خفیف‌تری پیش‌بینی کرده و هرگونه تصاحب و تصرف غیرقانونی در دارایی‌های شرکت به موجب ۶۷۴ کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جرم خیانت در امانت تلقی شده و مدیر مجرم طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به مجازات تعزیری درجه شش (حبس از شش ماه تا سه سال)

1. Fraudulent Trading.
2. Fraudulent Use or Destruction of Company Property.

محکوم خواهد شد؛ و علاوه بر این، به موجب بند ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. رئیس و اعضای هیأت مدیره که با سوءنیت از اموال و اعتبارات شرکت و اختیارات خود در جهت مقاصد شخصی و بر خلاف منافع شرکت استفاده کنند، به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

۴،۲،۴. **تقلب در حسابداری**^۱: در این نوع تقلب، مدیران شرکت با دخل و تصرف در حساب‌های شرکت و تنظیم گزارش‌های مالی نادرست، اقداماتی را برای جلب منافع خود و به ضرر سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند. این جرم زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران یک تصویر غیرواقعی از وضعیت مالی شرکت بدهند. به موجب بند ۲ ماده ۳۳۷ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ «هر مدیری که گزارش‌های نادرست تنظیم کند یا اجازه دهد دیگران گزارش‌ها و حساب‌های شرکت را نادرست یا گمراه‌کننده تنظیم کنند، به ۷ سال حبس یا جزای نقدی یا هر دو محکوم می‌شود». در نظام حقوقی ایران، به صورت کلی هرگونه ارائه اطلاعات غیرواقع مورد توجه قرار گرفته و مقنن در بند اول ماده ۲۴۳ و بند اول و دوم ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. و ماده ۲۶۳ ل.ا.ق.ت. انتشار اطلاعات نادرست و غیرواقعی را جرم دانسته و مقررات کیفری وضع کرده است. مطابق مقررات مذکور، هرگونه تصدیق یا انتشار پذیره‌نویسی خلاف قانون یا تسلیم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها یا تقسیم منافع بر خلاف واقع و قانون یا ترازنامه غیرواقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت و همچنین ارائه اطلاعات نادرست برای سلب حق تقدم از سهامداران نسبت به سهام جدید یا تصدیق این‌گونه اطلاعات توسط مدیران را از مصادیق تقلب در امور شرکت دانسته است. به علاوه مقررات تفصیلی در خصوص ابعاد دیگری از موضوع در قانون جدید مالیات‌های مستقیم دیده می‌شود، که از ذکر آن‌ها پرهیز می‌شود.

نتیجه‌گیری

از بررسی مفهوم و مصادیق وظایف امانی، این نتایج حاصل می‌شود:

۱- در حقوق انگلستان، رابطه امانی، ناظر به رابطه‌ای است که از اعتماد و اطمینان اصیل به امین ناشی شده و به ایفای وظایفی که در راستای حصول بهترین مصالح شرکت و منافع سهامداران باشد، اطلاق می‌شود. در حقوق ایران این نظریه به عنوان قاعده کلی به صراحت پیش‌بینی نشده و آنچه مد نظر قانون‌گذار بوده، ید امانی است که در ماده ۶۳۱ قانون مدنی منعکس شده است. با وجود این، از ملاک این ماده و دیگر مقررات موجود می‌توان استفاده کرد

1. Accounting Fraud.

و اذعان داشت که سبب وصف امانت، اذن است و رعایت مصلحت اصیل و عدم ضمان امین از عناصر متشکل این رابطه به شمار می‌رود.

۲- در حقوق انگلستان قرار گرفتن مدیران در موقعیت امانی، تکالیفی را برای مدیران در مقابل شرکت و سهامداران، ایجاد می‌کند که از رویه‌های حقوقی کهن نشأت می‌گیرد، اما در نظام حقوقی ایران، مبنا و حدود رابطه مدیران تبیین نشده است. در عین حال، باید پذیرفت که قانون‌گذار در مقام بیان دسته‌بندی تکالیف امانی نبوده و موارد بسیاری در قانون تجارت و قانون بازار اوراق بهادار و دیگر قوانین پراکنده می‌توان یافت که قابلیت تحلیل بر مبنای این نظریه را دارند.

۳- مصادیق متعددی از وظایف امانی مدیران می‌توان برشمرد که اهم آن‌ها در حقوق انگلستان و ایران عبارتند از: رعایت وفاداری، مراقبت و داشتن مهارت، تعهد به ارائه گزارش‌ها و افشای اطلاعات، عمل به حسن نیت.

۴- از جمله مهم‌ترین وظایف امانی در حقوق ایران می‌توان به ممنوعیت مدیران از معامله با شرکت، سوءاستفاده از اموال و اطلاعات شرکت، محدودیت در فعالیت‌های مشابه فعالیت شرکت در راستای اصل وفاداری، متعارف عمل کردن در فرایند تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل در راستای وظیفه مراقبت و مهارت، حق اطلاع سهامداران و سرمایه‌گذاران از وضعیت شرکت، غیرقابل استناد بودن بطلان عملیات در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت به علت نقض یا عدم رعایت تشریفات انتخاب مدیران نام برد.

۵- طبق رویه قضایی کشور انگلستان، نقض کلیه وظایف امانی، اصولاً در دسته شبه‌جرم تقصیر قرار گرفته و عدم رعایت مراقبت و مهارت در طبقه شبه‌جرم ناشی از غفلت و سهل‌انگاری دسته‌بندی می‌شود. در حالی که مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران مبتنی بر تقصیر است و مقنن در مواردی خاص برای حفظ حقوق اشخاص ثالث، مسئولیت تضامنی را نیز پیش‌بینی کرده است.

۶- در حقوق انگلستان، علاوه بر جزای نقدی و زندان، محرومیت‌های اجتماعی به‌ویژه سلب صلاحیت مدیران مقرر شده است که مدیر نالایق را برای مدتی معین از تصدی مدیریت هر شرکت یا شرکتی خاص، ممنوع می‌سازد؛ در حالی که در حقوق ایران این راهکارهای بازدارنده برای جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت امانی مدیران مقرر نشده و لزوم بازنگری قانون‌گذار در این باره را می‌طلبد.

منابع

الف - فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، *شرکت‌های تجاری*، ج ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، چاپ هفتم.
۲. بادینی، حسن، «نگرش انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف در تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۱۳۸۹، ش ۴۰.
۳. باریکلو، علیرضا، «معامله خارج از حدود اختیار مدیر»، *مجله اندیشه‌های حقوقی*، ۱۳۸۳، ش ۶.
۴. باریکلو، علیرضا؛ و سیدعلی خزایی، «اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره پیش‌قراردادی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۳۹۰، ش ۷۶.
۵. پاسبان، محمدرضا، *حقوق شرکت‌های تجاری*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹، چاپ پنجم.
۶. _____، «آثار اعمال حقوقی مدیران و مدیر عامل شرکت‌های سهامی پس از انقضای دوره مأموریت ایشان»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۱۳۹۳، ش ۶۷.
۷. پیرهادی، محمدرضا؛ و الیاس نوعی، «مسئولیت مدنی ناشی از بی‌احتیاطی در حقوق ایران و انگلستان»، *مجله تحقیقات حقوقی آزاد*، ۱۳۹۴، ش ۲۷.
۸. جنیدی، لعیا؛ و محمد نوروزی، «شناخت دارندگان اطلاعات نهانی شرکت‌های سهامی عام»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۱۳۸۹، ش ۱۰۱.
۹. حسن‌زاده، محمدمهدی، «آثار ید امانی در معاملات مدیران شرکت‌های تجاری»، *ماهنامه کانون*، ۱۳۹۰، ش ۱۲۳.
۱۰. حسنی، حسن، *حقوق تجارت*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷، چاپ ششم.
۱۱. حیدریپور، البرز، *محدودیت‌های مدیران شرکت‌ها در انجام معاملات*، اهواز: انتشارات مه‌زیار، ۱۳۸۲، چاپ اول.
۱۲. ساجدی، ولی، «محدودیت‌های معاملات شرکت با مدیران»، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۳، ش ۴۷.
۱۳. شریفی، سیدالهام‌الدین، «مطالعه تطبیقی اختیار ظاهری با تأکید بر اصول حقوق قراردادهای اروپایی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۳۹۲، ش ۶۲.
۱۴. شریفی، سیدالهام‌الدین؛ و شقایق بهشتی، «مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات نهانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار در حقوق اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و ایران»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۳۸۹، ش ۱۷.
۱۵. شهیدی، مهدی، *آثار قراردادهای و تعهدات*، ج ۳، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹، چاپ چهارم.

رابطه امانی مدیران در شرکت‌های سهامی: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان ۹۵

۱۶. صفایی، سید حسین؛ و دیگران، *حقوق بیع بین‌المللی*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۱۷. فخاری، امیرحسین، «تاریخ صدور چک چه تاریخی است؟»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۱، ش ۳۵.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۲، تهران: انتشارات شرکت بازرگانی، ۱۳۸۳، چاپ ششم.
۱۹. _____، *حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چاپ هشتم.
۲۰. گلدوزیان، ایرج، *محشای قانون مجازات اسلامی*، انتشارات مجد، ۱۳۹۳، چاپ دوم.
۲۱. لطفی، اسدالله، «قاعده استیمان در سقوط ضمان»، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ش ۴۴.
۲۲. محسنی، حسن، «اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی»، مجله حقوق تطبیقی، ۱۳۸۵، ش ۱.
۲۳. مرادی، امیر، «تقصیر کیفری در قلمرو قوانین و دکترین ایران»، مجله قضاوت، ۱۳۹۰، ش ۷۲.
۲۴. مهدی‌الشریف، محمدمهدی؛ و نصرالله جعفری خسروآبادی، «حقیقت امانت»، مجله مدرسه حقوق، ۱۳۹۰، ش ۶۷.
۲۵. نوروزی، محمد، «مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس»، مجله پژوهش‌های حقوق، ۱۳۸۹، ش ۱۷.
۲۶. نیک‌نژاد، جواد، «جایگاه حقوقی مدیران شرکت‌های سهامی در فقه، حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۰، ش ۲۵.

ب - لاتین

27. Anabtawi, Iman and Stout, Lynn, **Fiduciary Duties for Activist Shareholders**, UCLA School of Law, Law & Economics Research Paper Series, 2006, NO.08-02.
28. Black, Professor Bernard S, *The Principal Fiduciary Duties of Boards Of Directors*, Stanford Law School, Presentation at Third Asian Roundtable on Corporate Governanc, 2001.
29. Black, Henry, *Black's Law Dictionary*, West Publishing Co, London, 6th edition, 1891.
30. Brudney, Victor, **Contract and Fiduciary Duty in Corporate Law**, Boston College Law Review, 1997, Vol. 38, Issue 4 Number4.
31. Dine, Janet, *Company Law*, Palgrave Macmillan, Houndmills, Basingstoke, Hampshire, 4th Edition, 2001.
32. Davies, Paul, *Principle Of Modern Company Law*, London, Sweet And Maxwell, 8th edition, 2007.

33. Furlow, Clark W., **Good Faith, Fiduciary Duties and The Business Judgment Rule In Delaware**, Utah Law Review, 2009, No. 3.
34. Gold, Andrew, **New Concept of Loyalty in Corporate Law**, UC Davis Law Review, 2009, Vol. 43.
35. Gordon.Smith, **The Critical Resource Theory of Fiduciary Duty**, Florida, Vanderbilt Law Review, 2002, Vol. 55. No. 5 .
36. Grantham.Ross, **Can Directors Compete with the Company**, The Modern Law Review, 2003, Vol. 66,
37. Gregory, William A., **The Fiduciary Duty of Care: A Perversion of Words**, 38 Akron L, 4 Number 181, 2005.
38. Foerster, Christopher and Ferber, Celeste, **Fiduciary Duties and other Responsibilities of Corporate Director And Officers**, United states of America., 4 Edition, 2008.
39. Mayson, French and Ryan, Christopher, **French, Derek, Company Law**, London, Blackstone Press Ltd, 27th edition, 2011.
40. Opoku, Kwasi, **What is really wrong with insider trading?**, University of Cape Town, 2014.
41. Padfield, Colin F and Barker, D. L. A, **Law made simple**, London, Oxford, 7th edition, 2007.
42. Pasban.Mohammadreza, **A Review of Director Liabilities Of an Insolvent Company In The U.S And England**, The Journal of Business Law, 2001.
43. Salmon.Paul, **Director's Duties And Liabilities Under Companies Act 2006**, Salans LLP, London, 2008.
44. Treitel.G.H., **The Law Of Contract**, Stevens, Sweet & Maxwell, London, 7th edition, 1990.
45. Velasco.Julian, **How Many Duties Are There In Corporate Law?** Southern California Law Review, 2010, Vol. 83.
46. Wade.Cheryl L., **Corporate Governance Failures And The Managerial Of Care**, St.Johns Law Review, London, 2012, Issue 4 Vol. 78, Number4.